

□ رساله فی الوجود

□ السيد الموحّد علی همدانی

به تصحیح: عبدالله فانی

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله والسلام على عباده الذين اصطفى اما بعد، بدانکه نزد اهل کشف و شهود وجود مطلق یکی بیش نیست و آن وجود مطلق حق است جلت عظمته که وجود منتهی همه است. و آن وجود را در هر عالمی از عوالم مختلفه ظهوریست و نزد اهل کشف، حضرة کلیه پنج است که آنرا حضرة خمس گویند و هر حضرتی از آن عالمی باشد. حضرة اول «هویت غیب مطلق» است که آنرا «حقیقه الحقایق» خوانند و آن حضرة را اشاره پذیر نیست. و از آنحضرة بهیچ نوع تعبیر نتوان کرد و عقول و اوهام و افهام مخلوقات پیرامن سرادقات کبریایی آن حضرت راه نیست بل آنقدر بنور کشف متحقق گشته که در آن عالم حق تعالی در ذات خود بذات خود متجلی فرمود و آن تجلی «حضرت احدیت» بود نه از امر خارجی یا فیض زائد بر ذات خود. و بدان تجلی «نفس رحمانی» ظاهر کرد که حکما آنرا «هیولای کلیه» خوانند و اهل شرع «عقل کلی» گویند که اول ما خلق الله العقل و آن علم ذاتست بذاته و مافیها و این طایفه این را «تعمین اول» گویند و جمیع

«اعیان ثابته» در حضرت این عالم هویدا و جمله معلومات صورت از عقل آمد. چون ذات مقدس حضرت صمدیت را جل ذکره باین معلوماد نسبت (است) و نیز صفات آن ذات باشد. و ذات متعالیه را چون هریکی ازین صفات، نسبتی اعتبار کنی از ظهور اثر هر «صفتی» اسم از «اسماء حق» ظاهر شود. و بدایت آن ظهور در تنزل از حضرت احدیه بحضرت «واحدیت» بود که حضرت رویم است و آنرا «حضرت الهیت» نیز خوانند و آن حضرت را «عالم جبروت» گویند و آن حضرت اسماء و مبدء کثرت است. اول صفتی که در آن حضرت از بطون بظهور آ «علم» بود یعنی جمیع اعیان درین حضرت حاضر شد بحضور علمی، اسم علیمی ظاهر شد. پس حکمت الهی جلت عظمته اقتضای ترجیح وجود اعیان کرد بر «عدم» و این معنی را «ارادت» گفتند و اسم مرید مفهوم گشت. پس علم و ارادت بجهت ایجاد قرین استبلا گشتند و صفت را «قدرت» خوانند و اسم قدیر مبین گشت و آن صفت را با صف «حیوة»، ارکان ایجاد گویند. پس بواسطه مشاهده، اعیان را قبل الوج خارجی صفت بصیری دادند و اسم «بصیر» بظهور پیوست. پس اطلا حق بر ملتسمات اعیان بزبان استعداد طلب ظهور و قبول حق آن ملتسماء را «سم» خوانند و اسم سمیعی اینجا آشکار شد. پس ارادت و قدرت قبول منضم گشت و چون متعلق ایجاد اعیان شد آن را «کلام» خوانند اسم متکلم ظاهر گشت و چون شش صفت مذکور مترتب بر صفة ج است اسم «حی» مقدم اسماند و آخرین متکلم شد و این اسماء سبعة «ائمة الاسماء» خوانند و این اسماء را هم امامی است بعضی امام ائ حی را دراند و بعضی علم را چون صفات مذکور بهیچ وجه از ذات منفک نیست، صفات ذات شمرند و باقی صفات فعل. والله اعلم باسرار صفات الحمد لله وحده والسلام و الصلوة علی خاتم النبیین و علی اوصی المرضیین.